

۵۰۴



با خاطرات عسکری مقدسیان

رزمنده و برادر ۲ شهید ساکن محلہ کوی امیرالمؤمنین (ع)

مردی که برای خانواده ماند

عکس: فاطمه جاهدی/شهرآرا

محمد حسین ذاکر، با اجرای ایده خود در مسجد حجتی نوجوانان را وارد فضای علمی و دینی کرده است

بیداری «نسل ظهور»

۶



اهالی محلہ عبدالمطلب درخواست جابه جایی یکی از دوربرگردان های محدوده سکونتشان را دارند

۳

هرج و مرج خودروها در ابتدای بولوار شفا

دومین دوره جشنواره استعدادیابی در زمینه اجرا در سالن تلاش برگزار شد

۷

درخشیدن در «ستاره یاب»



ساکنان محدوده ششصد دستگاه
درخواست آسفالت یکی از معابرشان را دارند

پیاده‌رو پُر و صله پینه ارشاد ۱،۲

میترا صدرا پیاده‌رو خیابان ارشاد ۱،۲ که به دبستان دخترانه رضانايب و دبستان پسرانه شیخ الاسلامی در محله ارشاد ختم می‌شود، سال‌هاست مرمت اساسی به خود ندیده است. چاله‌ها، ریشه‌های بیرون زده درختان و آسفالت فرسوده این مسیر، هر روز والدین و دانش‌آموزان را نگران می‌کند. شهروندان ساکن محله ارشاد بارها طی تماس تلفنی با ۱۳۷ موضوع را با شهرداری در میان گذاشته‌اند.



● ریشه‌های درختان و ناهمواری‌ها

علاوه بر این، ریشه‌های بیرون زده درختان هم مشکل دیگری برای عابران ایجاد کرده است. سعید چهکندی، یکی دیگر از ساکنان، در حالی که به ناهمواری‌ها اشاره می‌کند، می‌گوید: پیاده‌رو نیازمند بازسازی اساسی است. اگر فقط روی سطح کار شود و بدون اصلاح زیرساخت‌ها آسفالت یا سیمان کاری صورت بگیرد، پس از مدتی دوباره همان مشکلات برمی‌گردد. باید پایه و اساس کار درست شود.

او به عابران پیاده‌ای اشاره می‌کند که از سرتاسر شهر برای پیاده‌روی دور بوستان مهر و ماه در محدوده ششصد دستگاه می‌آیند و می‌گویند: افراد زیادی روزانه دور بوستان پیاده‌روی و ورزش می‌کنند و فضای مناسب این کار، یکی از نیازهای آن‌هاست. شب‌ها نور دور بوستان کم است و اگر کسی حواسش به این چاله‌ها نباشد، زمین می‌خورد و آسیب می‌بیند.

ساکنان می‌گویند بارها مشکلات پیاده‌رو را به شهرداری گزارش داده‌اند اما اقدامات انجام شده مقطعی و سطحی بوده است. آن‌ها امیدوارند این بار وعده‌ها جدی‌تر دنبال شود و دانش‌آموزان و عابران پیاده بتوانند با خیالی آسوده به مدرسه و منزل بروند.

● بهسازی معبر در صورت تأمین اعتبار

سید علی اکبر انتظام، معاون فنی و اجرایی شهرداری منطقه، می‌گوید: طی بازدیدی که از این معبر داشتیم، مشخص شد که نیاز به اصلاح و بهسازی دارد. در صورتی که اعتبار آن تأمین شود، اقدامات لازم را برای عبور راحت عابران این محدوده انجام خواهیم داد.

● مسیر پرچالش برای کودکان

هر چه از ابتدای خیابان ارشاد ۱،۲ به سمت انتهای آن پیش می‌روی، وضعیت پیاده‌روها نامناسب‌تر می‌شود. چاله‌ها و فرو رفتگی‌های کوچک و بزرگ در این مسیر، رفت و آمد را برای عابران دشوار کرده و خطر زمین خوردن را افزایش داده است.

خانواده‌ها به ویژه نگران کودکان دبستانی هستند که طی سال تحصیلی، هر روز با شتاب و شور کودکانه از این مسیر عبور می‌کنند. در انتهای خیابان، دو دبستان دخترانه رضانايب و پسرانه شیخ الاسلامی قرار دارد. اینجا محل تردد صد هادانش‌آموز است و همین رفت و آمد، اهمیت وجود پیاده‌رو را دوچندان می‌کند. والدین بارها گلایه کرده‌اند که ناهمواری‌های مسیر، سلامت فرزندانشان را تهدید کرده است و آن‌ها به زمین خورده‌اند.

محمد برومند، از اهالی قدیمی ششصد دستگاه، حفره‌های پیاده‌رو را نشان می‌دهد و می‌گوید: این مسیر برای همه گروه‌های سنی مشکل‌ساز است، اما کودکان و سالمندان در معرض خطر بیشتری هستند. بچه‌ها پس از پایان مدرسه، پرانرژی و پرهیجان از کلاس بیرون می‌آیند. در مسیر تار رسیدن به خانه معمولاً با یکدیگر صحبت می‌کنند و حواسشان کمتر به جلو پایشان است. همین باعث می‌شود که پایشان در یکی از فرو رفتگی‌ها گیر کند و زمین بخورند. او که خودش سال‌ها پیش در همین دبستان پسرانه تحصیل کرده است، ادامه می‌دهد: این محدوده بیش از پنجاه سال قدمت دارد. پیاده‌روها همان زمان ساخته شده و از آن موقع تاکنون مرمت اساسی نشده است. هر چند وقت یک بار، شهرداری بخشی را مرمت می‌کند اما دوام چندانی ندارد و سال بعد، دوباره اوضاع به همین شکل است.

افزایش فضای سبز برای رفاه ساکنان



صفائی هفته گذشته، محمود برهانی، شهردار منطقه یک، به همراه معاون فنی و اجرایی این منطقه در مرکز ارتباط مردمی ۱۳۷ حضور یافتند و بدون واسطه به ۱۳ تماس تلفنی و مشکلات شهروندان پاسخ دادند.



درخواست‌های مربوط به حوزه خدمات شهری

۴ تماس با موضوع خدمات شهری مطرح شد. در این تماس‌ها شهروندان، مشکلاتی مانند ازدحام مردم و کثیفی پیاده‌روها در مقابل بستنی‌فروشی‌های کوهسنگی ۲۹، رسیدگی به مشاغل مزاحم در خیابان دستغیب، رهاسازی زباله در ساعات غیرمعمول در خیابان صاحب‌الزمان(عج) را مطرح کردند.



درخواست‌های مربوط به حوزه عمرانی

۳ تماس در حوزه عمرانی برقرار شد که شهروندان درخواست‌هایی مانند بهسازی پیاده‌رو ارشاد یک، بهسازی معابر محله راهنمایی و اطلاع‌رسانی پروژه‌های عمرانی به ساکنان قبل از اجرا را مطرح کردند.



درخواست‌های مربوط به حوزه فضای سبز

۴ درخواست در حوزه فضای سبز برقرار شد و شهروندان درخواست‌هایی مانند بازپیرایی پارک بخارایی، هرس درختان فرسوده و خشک خیابان کلاهدوز، افزایش و بهسازی فضای سبز محلات راهنمایی و کوی دکترا را داشتند.



درخواست‌های متفرقه

۲ تماس متفرقه برقرار شد که موضوعات آن‌ها نبود امنیت کافی در پارک بخارایی و تذکر به برخی شهروندان در خیام ۷ برای استفاده شخصی آنان از آب فضای سبز بود.

شهردار محله پیگیری می‌کند

شهردار محله موضوع بهسازی پیاده‌رو ارشاد یک و معضل زباله‌های بستنی‌فروشی‌های کوهسنگی ۲۹ را پیگیری کرده است و در آینده نیز پیگیر روند اجرایی آن خواهد بود.

آن ها ناچارند از همین مسیر عبور کنند. رضا محمدی، مغازه دار می گوید: در سمت راست و محل چرخیدن خودروها دبیرستان پسرانه آیت... طالقانی قرار گرفته است. این مدرسه، بیش از چهارصد دانش آموز دارد. زمانی که مدرسه تعطیل می شود، بچه ها به سرعت از مدرسه خارج می شوند و به داخل خیابان می روند. در چنین وضعیت شلوغی که رانندگان خودروها تمام حواسشان به دوربرگردان و خودروهای روبه رو هست، هر لحظه امکان تصادف با بچه ها وجود دارد. او توضیح می دهد: در فاصله دو رتر، دبیرستان دخترانه نجمه قرار دارد. تعدادی از دانش آموزان این مدرسه نیز مجبور به تردد از همین جا هستند. آن ها هم در معرض تصادف با خودروهای عبوری قرار دارند. به گفته حاضران، والدین بسیاری از دانش آموزان مدرسه دخترانه با خود روشخصی دنبال فرزندان خود می آیند و در ساعات تعطیلی مدرسه، گره ترافیکی بیشتری را باعث می شوند.

● پیگیری توسط نمازگزاران مسجد

مسجد و حسینیه امام حسین (ع) در فاصله چند متری از این دوربرگردان قرار دارد. این ترافیک و شلوغی برای نمازگزاران مسجد نیز مشکل ساز شده است. نمازگزارانی که بیشترشان سن و سالشان زیاد است و برای گذشتن از خیابان نیاز به دستگیری دارند، نمی توانند از بین خودروهایی که به سمتشان می آیند، عبور کنند. حسن تشکری، از نمازگزاران مسجد، با اشاره به مشکلی دیگر می گوید: در زمان برگزاری مراسم تحیم یا عزاداری، خودروهای بسیاری در حاشیه بولوار پارک می شود که عبور خودروها از دوربرگردان را مختل می کند. شهرداری با نصب کله قندی های پلاستیکی سعی کرده است مانع از پارک کردن خودروها شود اما خیلی ها توجهی نمی کنند و تاکنون فایده ای نداشته است. تشکری با اشاره به استشهاد جمع شده از سوی اهالی و نمازگزاران مسجد برای تغییر محل این دوربرگردان می افزاید: با انتقال این دوربرگردان به پنجاه تا صد متر بالاتر در نزدیکی شقای یک، بخش زیادی از این مشکلات برطرف خواهد شد.

● استشهاد محلی و نامه کتبی

مسئول امور حمل و نقل و ترافیک منطقه ۲ درباره این مشکل می گوید: برای اصلاح هندسی دوربرگردان مذکور نیاز به تأیید سازمان حمل و نقل ترافیک داریم. مجید ایوبی می افزاید: شهروندان می توانند با ارسال درخواست کتبی به منطقه پیگیر موضوع باشند.



● نیاز به یک چراغ ترافیکی

دوربرگردان بعد از شقای ۵ با توجه به موقعیت ارتباطی که با دو خیابان شقای ۵ و شقای ۳ دارد، به مسیری پررفت و آمد و شلوغ تبدیل شده است. علی سلطانی، یکی از همسایه ها، می گوید: در این شرایط نیاز به چراغ راهنمایی یا حداقل چراغ چشمک زن وجود دارد. رانندگان تنها با اعتماد به تجربه و شناختی که از این محل دارند، تردد می کنند و هیچ نظمی در این رفت و آمدها وجود ندارد. بارها اتفاق افتاده است که با صدای ترمزهای شدید خودروها از خواب پریده ام. سلطانی در ادامه می گوید: این وضعیت در تردهای شبانه خطرناک است و تصادفاتی را نیز باعث شده است. تازمانی که این دوربرگردان، نقش تقاطع چند مسیر را دارد، مشکلات برطرف نخواهد شد.

یکی دیگر از اهالی در تأیید سخنان او می گوید: حداقل یک علامت یا چراغ هشدار نصب کنند که خطر کمتری داشته باشد.

● احتمال تصادف با دانش آموزان

در محدوده این دوربرگردان، دو مرکز آموزشی وجود دارد که دانش آموزان

اهالی محله عبدالمطلب درخواست جابه جایی یکی از دوربرگردان های محدوده سکونتشان را دارند

هرج و مرج خودروها در ابتدای بولوار شفا

حسین برادران فرا دوربرگردان شقای ۵ اولین دوربرگردان بولوار شفاست و موقعیت ویژه ای دارد. نزدیکی به مسجد امام حسین (ع) و دبیرستان آیت... طالقانی و ارتباط با دو مسیر فرعی شقای ۵ و شقای ۳، باعث شلوغی معبر شده و مشکلات بسیاری برای شهروندان این محدوده به دنبال داشته است. اهالی محله عبدالمطلب ضمن گلایه از این وضعیت، معتقدند که با تغییر هندسی و انتقال دوربرگردان به مکان دیگر، مشکلات برطرف خواهد شد.

هم قدم

۲

طرح «پیشخان زیارت» تحقق توسعه معماری اسلامی

شهردار منطقه ۲ درباره اجرای طرح پیشخان زیارت گفت: این پروژه در قالب سه محور اصلی شامل یادمان، معبر ناحیه ای و نمای ایرانی اسلامی طراحی و اجرایی شود. حسین بنایی منش در ادامه افزود: پروژه پیشخان زیارت در بولوار شهید فرامرزی عباسی، حدفاصل فرامرزی ۱۵ تا ۲۳، با اعتباری بالغ بر ۳۸ میلیارد ریال در حال اجراست.

افزایش روشنایی برای ۳ بوستان منطقه

شهرداری منطقه ۲ با سرمایه گذاری ۵ میلیارد ریالی، سیستم روشنایی سه بوستان این منطقه را نوسازی کرد. در بوستان های لچکی توس، نیلوفر و مهدیس، بیش از نود پایه چراغ جدید نصب شد تا ایمنی و زیبایی فضای سبز شبانه افزایش یابد. این اقدام، امکان بهره مندی بیشتر شهروندان از فضاهای تفریحی را حتی در شب فراهم کرده است.

آرام سازی جریان ترافیک

هفته گذشته، بیش از سی تابلو ترافیکی با هدف ایمن سازی و آرام سازی جریان ترافیک در منطقه ۲ نصب شد. این اقدام که برای نظم بخشی به ترافیک شهری انجام پذیرفت، شامل علائم ترافیکی و تابلوهای اخطار دهنده برای افزایش ایمنی و روان سازی رفت و آمد در این منطقه است.

شهر خبر

۲

نشست هم اندیشی شهردار منطقه ۲ با رؤسای شوراهای اجتماعی محلات برگزار شد ساخت وسازهای غیرمجاز، دغدغه ای مشترک

صفائی نخستین جلسه هم اندیشی شهردار منطقه ۲ با رؤسای شوراهای اجتماعی محلات این منطقه، با حضور معاونان و رؤسای شهرداری، به منظور بررسی مسائل و چالش های محلی برگزار شد. در این نشست، اعضای شوراهای اجتماعی به بیان مهم ترین دغدغه ها و مشکلات ساکنان محلات پرداختند. از جمله مسائل مهم و مشترک مطرح شده در سطح منطقه می توان به ساخت وسازهای غیرمجاز و پیامدهای ناشی از آن، وجود زمین های رها شده و بدون استفاده، حضور معتمدان متجاهر و پدیده کارتن خوابی، کمبود فضاهای سبز محلی و نبود امکانات و فضای ورزشی مناسب اشاره کرد.

شهردار منطقه ۲ در پاسخ به گلایه های شهروندان درباره ساخت وسازهای غیرمجاز، این موضوع را دغدغه ای مشترک بین مردم و مدیریت شهری عنوان کرد. حسین بنایی منش با تأیید این معضل گفت: در گذشته، اهرم های فشاری برای پیشگیری از این پدیده وجود داشت. اما در حال حاضر، متأسفانه ابزار و اهرم قانونی مؤثری برای برخورد با متخلفان در اختیار مدیریت شهری نیست.



با خاطرات عسکری مقدسیان، رزمنده و برادر ۲ شهید ساکن محله کوی امیرالمؤمنین (ع)

مردی که برای خانواده ماند

داستان جلد



حسین برادران فراخانم ها و بچه های خانواده با چشمان گریان و التماس کنان به دنبال این بودند که غلام رضا را از رفتن به جبهه منصرف کنند. اما او انتخابش را کرده بود. راهی جبهه شد و بعد از چند ماه، خبر شهادتش را برای خانواده آوردند. حالا نوبت محسن، برادر دیگر بود. او جای برادر شهیدش را پر کرد و با وجود همه آرزوهایی که داشت، سرنوشت او نیز شهادت شد. فرزندان خانواده مقدسیان که در نوجوانی از آغوش گرم و حمایت های پدر محروم شده بودند، با وجود همه سختی های مالی و معنوی که با آن روبه رو بودند، با تربیت اخلاقی مادر با روحیه ای حق طلبانه و حقیقت طلب رشد کرده بودند. سه پسر این خانواده تحت تأثیر همین تربیت درست، هم زمان با انقلاب مردمی ملت در صف اول انقلابیون محله قرار گرفتند و در دوران دفاع مقدس نیز با وجود داشتن زن و فرزند در جبهه حاضر شدند. دو برادر این خانواده، غلام رضا مقدسیان و محسن مقدسیان به شهادت رسیدند. عسکری مقدسیان، کوچک ترین برادر خانواده نیز راه برادران شهیدش را تا آخرین روزهای جنگ تحمیلی ادامه داد. پای صحبت هایش می نشینیم و آواز خاطرات سال های دور می گوید.

عمل به وظیفه

مالی خوب و مناسب، هوای جبهه به سرش می زند و راهی جبهه های جنگ می شود. او می گوید: محسن چهار فرزند کوچک داشت. سرپرستی بچه های دیگر برادر شهیدمان، غلام رضا، نیز بر عهده ما بود. من هم عازم جبهه بودم. قبلا هم چند باری به جبهه رفته بودم. بر همین اساس به او گفتم «شما برادر بزرگ تر ما هستید. بهتر است یک مرد در خانه باشد که این همه زن و بچه را تر و خشک و نگهداری کند. شما بمان؛ من می روم و آمدن شما ضرورتی ندارد.» با شنیدن این حرف، محسن اخم کرد و گفت «شما وظیفه خود را انجام می دهی؛ من هم باید وظیفه خود را در برابر کشورم انجام بدهم. اگر شهید شدم، تو هوای کارگاه را داشته باش.» محسن مقدسیان پنج بار راهی جبهه های جنگ شد و سرانجام سال ۱۳۶۵ در منطقه عملیاتی حاج عمران به شهادت رسید.

عسکری مقدسیان متولد ۱۳۲۹، برادر کوچک که فاصله سنی کمی با دومین شهید خانواده، محسن مقدسیان دارد، با او همکار بود و در یک کارگاه کفashi با هم کار می کردند. او می گوید: شهید محسن بیشتر در بخش تولید و ساخت کفش فعال بود و من که اهل حساب و کتاب بودم، مأمور خرید و سایل و مواد اولیه مثل چرم، زیبره و نخ بودم. با اینکه این تولیدی و کارگاه را به تازگی راه اندازی کرده بودیم، به دلیل اعتقاد و اهمیتی که برادرم به تولید کفش با کیفیت و محکم می داد، در مدت کوتاهی تولیدات ما بر سر زبان مغازه داران و فروشندگان کفش افتاد. سود کمی می گرفتیم اما اوضاع مالی خوبی داشتیم. یادم است آن سال ها که مثل امروز مسافرت رفتن رسم نبود، برادرم با خانواده به شمال رفت. من هم یک قطعه زمین گرفتم تا خانه بسازم. به گفته برادر شهید، محسن با وجود اوضاع کاری و

برادری با حمایت پدرانه

حادثه فوت پدر در اوایل دهه ۳۰، اولین اتفاق تلخ و کمر شکن برای خانواده مقدسیان بود. عسکری مقدسیان که در زمان فوت پدر هفت سال بیشتر نداشت، درباره خاطره آن روز تلخ می گوید: مرحوم پدر ما هنوز در سنین جوانی بود که فوت کرد. او که به شغل دلاکی حمام عمومی مشغول بود، به دلیل بیماری مزمن و ناشناخته ای که داشت، هفته ای یکی دو روز بیماری اش سخت و راهی بیمارستان می شد. پشت ما گرم به مادر بود. خدارحمتم کند مادر مرا. شیرزنی بود. با این وضعیت مریضی و کار پدر، طوری رتق و فتق خانه را انجام می داد که ما هرگز کمبودی احساس نمی کردیم. با فوت ناگهانی پدر، غلام رضا که در آن سال ها نوجوانی پانزده ساله بود، با داشتن آرزوهای جوانی سر کار رفت تا چرخ خانواده بچرخد. مقدسیان با تعریف از همت و غیرت غلام رضا می گوید: چون مرحوم پدرم دلاک حمام عمومی بود، مادر مرا برای کار در حمام زنانه می خواستند اما غلام رضا اجازه این کار را نداد و گفت «تازمانی که من زنده هستم، اجازه نمی دهم کار کنید.» شغل برادرم غلام رضا شیشه بری بود و با خانواده شهیدان شیشه چی دوستی و رفاقت داشت.

توشه ای برای آخرت

غلام رضا مقدسیان در چهل و دو سالگی با داشتن همسر و پنج فرزند به جبهه های جنگ رفت و سال ۱۳۶۰ در بلندی های ۱... اکبر به شهادت رسید. برادر شهید می گوید: غلام رضا به این دلیل که سرپرستی خانواده را بر عهده داشت، از سربازی معاف شده بود؛ با وجود این اصرار داشت که به جبهه برود و دینش را به مملکت ادا کند. غلام رضا در دوره مبارزات انقلاب هم خیلی فعال بود. هر جامی رفت، به همه می گفت «حتی اگر شده کارتان را تعطیل کنید، در تظاهرات شرکت کنید؛ چون این حکم و دستور نایب امام زمان (عج) است.» منظورش امام خمینی (ره) بود. روزی که راهی جبهه شد، فرزند شیر خواری داشت. همسرش راضی به رفتن نبود. اما غلام رضا حرفی زد که دیگر مانعش نشدیم. او گفت «تا حالا برای دنیا کار کرده ام؛ از حالا می خواهم برای آخرت توشه ای داشته باشم.» این آخرین کلامی بود که از برادرم شنیدم. او رفت و بعد از چند ماه، خبر شهادتش را بر ایمان آوردند. او ادامه می دهد: مهم ترین خصوصیت اخلاقی برادرم، بخشنده و کمک به خانواده فقرا و نیازمندان بود. او که طعم تلخ نداری و یتیمی را با جسم و روحش چشیده بود، از خانواده فقرا و نیازمندان حمایت می کرد. خودش مستقیم این کمک ها را به دست افراد نیازمند نمی داد و گاهی من را مأمور به انجام این کار می کرد تا ناشناخته باقی بماند.



شهید غلام رضا مقدسیان

تاریخ تولد: ۱۳۱۸

تاریخ شهادت: ۱۳۶۰

محل شهادت: ارتفاعات ۱... اکبر



شهید محسن مقدسیان

تاریخ تولد: ۱۳۲۵

تاریخ شهادت: ۱۳۶۵

محل شهادت: منطقه حاج عمران



۵

لایق شهادت نبودم

این رزمنده قدیمی و فعال که این روزها در دفتر بیمه مشغول به کار است با بیش از چهارصد روز سابقه حضور در مناطق مختلف و عملیات های جنگی به قول خودش حتی یک بار هم دچار مجروحیت نشد، با اینکه چندباری تا چند قدمی مرگ رفت.

او می گوید: دوبار بچه ها فکر کرده بودند من شهید شده ام. در یکی از عملیات های منطقه غرب که همراه تعدادی از رزمندگان ها برای فتح قله رفته بودیم، برف زیادی آمده بود و تا کمر می رسید. با شلیک تیربارچی عراقی از بالای کوه، زمین گیر شده بودیم. تعدادی از بچه ها شهید شدند. در آن سرمای استخوان سوز شب، از بچه ها جدا افتادم و اشهدم را خواندم. اما بعد از دو شبانه روز به نیروهای خودی رسیدم و همه از زنده بودنم تعجب کردند. در اتفاقی دیگر که من و چند نفر دیگر از رزمندگان ها داخل سنگر بودیم، گلوله توپی داخل سنگر افتاد و سنگر منفجر و همه بچه ها شهید شدند. نفر کناری من، نصف سرش رفته بود، اما من بدون حتی یک زخم زنده و سالم از زیر آوار بیرون آمدم. لایق شهادت نبودم.

۴

نشستن پشت فرمان آمبولانس جبهه

عسکری مقدسیان، تنها بازمانده از بین سه فرزند خانواده مقدسیان، سابقه حضور در تعدادی از عملیات های مهم دوران جنگ تحمیلی مثل بدر و خیبر را دارد و اتفاقات و وقایع بسیاری را با چشم خود دیده است.

او جزو اولین گروه های مشهودی بوده که در مناطق جنگی حضور یافته است. می گوید: در اولین روزهای شروع جنگ برای رفتن به جبهه ثبت نام کردم. یکی دو هفته ای بود که برای اعزام به مرکز بسیج در خیابان نخریسی می رفتم. به دلایلی اعزام انجام نشد. سرانجام حدود چهل روز بعد از شروع جنگ با قطار راهی اهواز شدم.

این رزمنده قدیمی به دلیل مقاومت و استقامتی که در جبهه از خود نشان داده بود، بارها مورد تشویق فرماندهان قرار گرفت.

او یکی از این همین موقعیت های سخت جنگی را تعریف می کند و می گوید: در جریان عملیات بدر، پای خمپاره انداز بودم. به مدت سه ساعت مداوم، کمک خمپاره اندازها به من گلوله می دادند و من می گذاشتم و شلیک می کردم. در این مدت به دلیل صدای زیاد گلوله ها، سه کمک خمپاره انداز جای خودشان را عوض کردند، اما من جای خودم ایستاده بودم. یادم است شب که اوضاع آرام شد، فرمانده به سراغم آمد و بعد از تشکر گفت: «چیزی لازم نداری؟» گفتم: «چند قرص سردرد بدهید که سرم آرامش پیدا کند.» مقدسیان در طول چند سال حضور در مناطق جنگی، در قسمت های مختلف خدمت کرد و مدتی هم راننده آمبولانس بود.

او با ذکر خاطره ای در این باره می گوید: سال ۱۳۶۲ در منطقه مهاپاد، فرمی به ما دادند و از ما خواستند که اگر مهارتی داریم، بنویسیم. من نوشتم رانندگی بلدم. بعد از آن، فرمانده گردان به من گفت: «باید بروی و آمبولانس تحویل بگیری.» گفتم: «من برای رزمندگی و جنگیدن آمده ام، نه رانندگی.» فرمانده گفت: «حتما بین راه که آمدی، در مسیر، آمبولانس های سوخته و تکه پاره رادیده و ترسیده ای.» من که پیش از این تصور می کردم رانندگی آمبولانس کار سختی نیست، گفتم: «هرکاری بگویید، انجام می دهم.»

۶

ارزش های واقعی برای خانواده

دفاع از وطن، بهترین ارزش است و قابل قیاس با چیزی نیست. عسکری در این باره خاطره ای را تعریف می کند و می گوید: من پنج دختر و سه پسر دارم که یکی از آن ها در زمان کرونا فوت کرد. در زمان خواستگاری دخترانم، مهم ترین معیارم این بود که اگر خواستار در زمان جنگ تحمیلی سن و توان جنگیدن را داشته و به جبهه نرفته، جواب منفی است. خوشبختانه یکی از داماد هایم مجروح جنگی و فرزند شهید است و من به بودنش افتخار می کنم. ارزش های واقعی این ها هستند، نه پول، مقام و زیبایی.

محمد حسین ذاکر، با اجرای ایده خود در مسجد حجتی، نوجوانان را وارد فضای علمی و دینی کرده است

بیداری «نسل ظهور»



راه تجربه



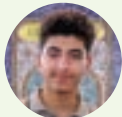
صدرا از نوجوانی دغدغه کار فرهنگی و آموزشی داشته و حالا که دانشجوی کارشناسی رشته روان شناسی شده، ایده اش را در پایگاه بسیج شهدای اندشت مسجد حجتی واقع در محله احمدآباد برای گروه سنی کودک و نوجوان اجرایی کرده است.

سید محمد حسین ذاکر ۲۴ سال دارد. به دلیل علاقه به علوم اسلامی، دانشجوی رشته دین پژوهی هم بوده و توانسته از حوزه علوم اسلامی دانشگاهیان، مدرک این رشته را دریافت کند. او از چهار سال پیش با ایجاد گروه تربیتی «نسل ظهور» توانسته بیش از پنجاه کودک و نوجوان علاقه مند را پای کار فعالیت های آموزشی، فرهنگی و اجتماعی محله احمدآباد بیاورد.

● مشارکت دادن همه بچه ها

عرفان پافنده، ۱۶ ساله

از بولوار قرنی به اینجامی آیم. آشنایی من با مسجد از طریق حاج آقا کیخانی بود. چهار سال است که با مسجد همراه هستم. از سال گذشته، مسئولیت هیئت نوجوانان را بر عهده دارم و تلاش کرده ام تا همه بچه ها در فعالیت و کارهای مسجد حضور داشته باشند. خودم پای کار هستم و هر کاری بتوانم، انجام می دهم تا کارهای هیئت به بهترین نحوه ممکن انجام شود.



● صدای مسجد در فضای مجازی

میعاد پافنده، ۱۵ ساله

آشنایی من با مسجد از طریق فرمانده پایگاه بسیج مسجد حجتی حاج آقا کیخانی شروع شد. از میدان شهدا به این مسجد می آیم. از قبل به عکاسی و طراحی پوستر علاقه داشتم و به همین دلیل مسئول رسانه هیئت شدم. مطالب مربوط به محله و فعالیت های مسجد را آماده و ویرایش می کنم و در کانال پایگاه می گذارم. علاوه بر این، به نوجوان های علاقه مند هم یاد می دهم چطور برای کانال محتوا تولید کنند.



● ایده پردازی

برای برنامه های فرهنگی

محمد حسین عطایی، ۱۲ ساله

ساکن همین محله احمدآباد و مسئول فرهنگی هیئت هستم. به خاطر سلیقه و خلاقیت، این مسئولیت را به من سپرده اند. وظیفه من، طراحی برنامه ها و فعالیت های فرهنگی هیئت است؛ از تزئین مسجد گرفته تا یافتن ایده مناسب برای برگزاری مراسم بر عهده من است. به مداحی هم علاقه دارم و هر وقت بتوانم در مراسم هیئت و مسجد مداحی می کنم.



● از روضه های مادر بزرگ تا هیئت

امیر ارسلان محمدی، ۱۵ ساله

ساکن همین محله هستم و مسئولیت مداحان هیئت را بر عهده دارم. از هفت سالگی در روضه های مادر بزرگم شروع به مداحی کردم و به مرور با تشویق بزرگ ترها، آن را جدی تر دنبال کردم. از ده سالگی هم در هیئت بزرگ سالان در مراسم مختلف مداحی می کنم. در حال حاضر، انتخاب متن مداحی ها و آموزش به مداحان هیئت نوجوانان بر عهده من است. حدود هشت مداح داریم و من تصمیم می گیرم هر جلسه چه کسی چه متنی بخواند.



فراهم می کرد تا ضمن یادگیری مهارت های علمی، با مفاهیم اخلاقی و تربیتی اسلام آشنا شوند.

کلاس ها تنها به آموزش تئوری محدود نیست. داستان گویی، بازی های گروهی و کارگاه های اخلاقی، بخشی از هر جلسه است. محمد حسین می افزاید: فضای کلاس ها را طوری طراحی کردم که گرم و صمیمی باشد تا بچه ها مسجد را خانه دوم خود بدانند.

● ذکر حکایت در هیئت

یکی از دستاوردهای مهم نسل ظهور، تشکیل دو هیئت مجزای برای کودکان و نوجوانان است. هیئت کودکان با نام «أحلی من العسل» به یاد حضرت قاسم بن الحسن^(ع) نام گذاری شد؛ انتخابی که خودش کلاس تربیتی دیگری بود. محمد حسین توضیح می دهد: وقتی بچه ها می پرسیدند چرا این نام را انتخاب کرده ایم، فرصت خوبی بود تا ما اجرای حضرت قاسم^(ع) و معنای این جمله را برایشان توضیح دهیم. هیئت نوجوانان نیز «انصار المهدی^(ع)» نام گرفت. هر چهارشنبه، نیم ساعت اول و ویژه هیئت کودکان، سپس نوبت هیئت نوجوانان است. دعا، سخنرانی و مداحی برنامه های اصلی این جلسات است و به جز سخنرانی که بر عهده محمد حسین است، دیگر بخش ها را خود بچه ها اداره می کنند. محمد حسین در سخنرانی ها، علاوه بر داستان های دینی، از حکایت های کهن فارسی مانند کلیله و دمنه نیز استفاده می کند تا مفاهیم اخلاقی در قالبی جذاب و بومی منتقل شود. با گذشت یک سال و نیم از تشکیل این هیئت ها، اکنون در دهه اول محرم، نسل ظهور در کنار هیئت بزرگ سالان مسجد حجتی حضور پررنگی دارد. بچه ها با مداحی و سینه زنی در کوچه های محله قدیمی اندشت، حال و هوای عاشورایی رازنده می کنند و در تاسوعا و عاشورا شور دیگری به مراسم می دهند.

فعالیت های نسل ظهور به هیئت و کلاس ختم نمی شود. این گروه در طول تابستان، هفته ای یک بار و پس از آن، ماهی یک بار به جای خانه حضرت قاسم^(ع) در میدان شهدا می رود تا به زائران و مجاوران خدمت کنند. محمد حسین می گوید: این حضور، بچه ها را با فرهنگ خدمت رسانی آشنا و مسئولیت پذیری را در آن ها تقویت می کند.

● تربیت در دل تفریح

محمد حسین باور دارد که تربیت تنها در فضای رسمی کلاس اتفاق نمی افتد. او و نوجوانان مسئول هیئت اردو های متنوعی مثل رفتن به استخر و سینما و کوه پارک و برگزاری مسابقات فوتسال را هم در طول سال دارند. محمد حسین می گوید: این اردو ها علاوه بر سرگرمی، فرصتی است تا بچه ها کار گروهی، نظم و مسئولیت پذیری را در عمل تجربه کنند و کنار هم لحظات و خاطرات خوش بسازند.

● به دنبال فرصت برای اجرای ایده

محمد حسین ذاکر در خانواده ای فرهنگی بزرگ شده است و پدر و مادرش هر دو بازنشسته فرهنگی هستند. زمانی که شانزده سال داشت، با مطالعه انواع کتاب های دینی و روان شناسی پی برد که روان انسان نیاز به تربیت و آموزش دارد و هیچ آموزشی به اندازه تربیت اسلامی برایش کامل نیست.

این ایده در ذهنش ماند تا اینکه یک اتفاق ساده، جرقه ای شد برای آغاز مسیری تازه. شش سال پیش، در تابستان، برای انجام آزمایش های پزشکی به خیابان عارف رفته و بنر ثبت نام کلاس های آمادگی دفاعی مسجد حجتی اندشت را دیده بود. هرچند آن کلاس به حد نصاب نرسید و تشکیل نشد، پای او را به مسجد باز کرد. به توصیه امام جماعت مسجد، حجت الاسلام علیرضا کیخانی، محمد حسین فرم عضویت پایگاه بسیج شهدای اندشت را پر کرد و این قدم اول ورودش به فعالیت های مسجد شد. او می گوید: در مناسبت های مذهبی، کلاس های اوقات فراغت و حتی دوره های نجوم شرکت می کردم، اما همچنان ایده کار تربیت اسلامی برای کودکان در ذهنم بود تا فرصتی مناسب پیدا کنم.

● تولید یک گروه تربیتی در مسجد

محمد حسین در دوران دانشجویی، در یکی از شب های ماه رمضان، هنگام شنیدن سخنران حجت الاسلام پناهیان در برنامه «ماه من»، به این نتیجه رسید که زمان عمل فرا رسیده است. ایده خود را با امام جماعت مسجد حجتی و هیئت امتداد میان گذاشت. نتیجه این گفت و گو ها تولید گروه تربیتی «نسل ظهور» بود. گروهی که نامش همسوا با مهم ترین دغدغه محمد حسین انتخاب شد؛ آماده سازی فضای برای ظهور امام زمان^(ع). در ابتدا حدود پانزده کودک و نوجوان به این گروه پیوستند. برنامه ها ساده و بیشتر مناسبتی بودند، اما ذاکر به دنبال برنامه ای منسجم تر بود. او با مراجعه به آثار و ایده های استادان تربیت اسلامی، مسیر تازه ای طراحی کرد: تقسیم اعضا به دو گروه کودک و نوجوان و برگزاری کلاس های تخصصی تر.

● قرآن و رباطیک: ترکیب علم و دین

برای گروه سنی هفت تا چهارده سال، دوره های آموزشی قرآن و رباطیک برگزار شد. محمد حسین می گوید: هفت سال دوم زندگی، یعنی از هفت تا چهارده سالگی، مهم ترین دوره برای شکل گیری پایه های فکری و تربیتی است. آموزش قرآن و رباطیک را انتخاب کردیم؛ چون هم با علایق بچه ها هماهنگ بود و هم فرصتی

دومین دوره جشنواره استعدادیابی در زمینه اجرا در سالن تلاش برگزار شد

درخشیدن در «ستاره یاب»

عیدگاه

و تاکنون هیچ دوره آموزشی را نگذرانده است، توانسته با کمک همیار جشنواره مقام دوم را کسب کند. او می گوید: دریافت این تندیس و جایزه از دستان بزرگان هنر خراسان برای من ارزش بسیار دارد و افتخاری است که هیچ وقت فراموش نمی کنم. با حضور در این رقابت ها با استادان بسیاری آشنا شدم و مسیرم را با کمک آن ها با علاقه و اشتیاق بیشتری ادامه می دهم.

● همیاران، راهنمای راه

مehساظهوری، مدیر دبیرخانه جشنواره و یکی از همیاران «ستاره یاب»، درباره نقش همیاران توضیح می دهد: شرکت کنندگان به دو گروه تقسیم شدند؛ گروهی که دوره های فن بیان و اجرا را پشت سر گذاشته اند و آن هایی که این دوره ها را آموزش ندیده اند، اما به رقابت علاقه دارند. همیاران در طول رقابت به تیم ها کمک می کنند تا اشکالات خود را برطرف و بهترین عملکرد را ارائه کنند.

جشنواره بر مبنای سخنوری و بیان هنری است، شهرداری منطقه یک تصمیم گرفت با این برنامه همکاری داشته باشد. مشهد با حرم مطهر امام رضا^(ع) شناخته می شود و بعد از آن با شاعران و نویسندگان بزرگ خراسانی. سخنوری ریشه کهنی در فرهنگ خراسانی دارد، به همین دلیل حمایت از برنامه های فرهنگی را وظیفه خود می دانیم.

همایون محمدیان فر در ادامه توضیح می دهد: همکاری با ارگان هایی که در حوزه پرورش استعدادها فعال هستند، برای ما اهمیت دارد و این جشنواره فرصتی مناسب برای شناسایی و تربیت نسل جوان ایجاد کرده است که باعث ترویج فرهنگ سخنوری و تقویت مهارت های اجتماعی میان شهروندان می شود.

● رقابت نفس گیر و معرفی برترین ها

نگین مهمانکیش، بیست و یک ساله و یکی از شرکت کنندگان منتخب جشنواره، توانسته رتبه اول مجریگری در بخش مستقل را به دست آورد. او از کودکی به این هنر علاقه داشته و از پانزده سالگی به این عرصه وارد شده است. نگین می گوید: هر رقابتی برای من حس و حال خودش را دارد. این جشنواره هم تجربه ای متفاوت و شیرین بود که ادامه مسیر را برایم روشن تر کرد. سطح رقابت بالا بود و بیشتر شرکت کنندگان با آمادگی کامل در جشنواره حاضر شدند. ثنا حیدری سیزده ساله، دیگر شرکت کننده بخش مجریگری است. با اینکه از یک سال پیش وارد این عرصه شده

صدرا شرکت کنندگان دومین جشنواره استعدادیابی «ستاره یاب» در سالن تلاش مجموعه ورزشی کارگران مشهد دور هم جمع شده اند و منتظرند که برترین ها در اختتامیه معرفی شوند. این جشنواره با حضور ۱۲۰ شرکت کننده و با همکاری مجموعه فرهنگی «نارنج و ترنج» و معاونت فرهنگی و اجتماعی شهرداری منطقه یک، تابستان امسال برای دومین بار در مشهد برگزار شد. جشنواره با هدف کشف و پرورش استعداد های شهروندان در سه بخش مجریگری، گویندگی و استعداد آپ اجرا شد و با استقبال هنرمندان و عموم مردم همراه بود.

● تولد جشنواره و حمایت فرهنگی

جشنواره استعدادیابی «ستاره یاب» برای نخستین بار در سال ۱۴۰۱ با همکاری شهرداری مشهد و سازمان فرهنگی و اجتماعی آغاز به کار کرد. این برنامه توسط مؤسسه فرهنگی «نارنج و ترنج» برگزار شد و محور آن آموزش و رقابت در زمینه مجریگری و استعداد آپ بود. محمد صادقی، مجری شبکه ۲ صدا و سیما و دبیر دومین جشنواره، درباره اهمیت این برنامه می گوید: هدف اصلی جشنواره، کشف و پرورش استعداد های شهروندان و ایجاد فضایی دوستانه برای رقابت سالم است. بعد از دو سال، تابستان امسال دومین دوره جشنواره با همکاری شهرداری منطقه یک و معاونت فرهنگی و اجتماعی منطقه برگزار شد. در این دوره، علاوه بر مجریگری و استعداد آپ، بخش گویندگی نیز اضافه شد تا دامنه فعالیت ها گسترده تر و جامع تر شود.

● سخنوری، ریشه ای فرهنگی در خراسان

معاون فرهنگی و اجتماعی شهرداری منطقه یک، درباره حمایت شهرداری منطقه از این جشنواره می گوید: با توجه به اینکه محورهای



مؤذن نوجوان محله قدس از شیرین ترین خاطره اش می گوید

اذان دلنشین حرم

امام رضا^(ع) رفته بودیم. در همان حالت ذوق و اشتیاق کودکانه، هنگام اذان ظهر، در یکی از صحن های حرم امام رضا^(ع) اذان گفتم که خاطره شیرینی برایم رقم زد.

● به چه فعالیت دیگری علاقه داری؟

مداحی را خیلی دوست دارم و از مدتی قبل در کلاس های مداحی که در هیئت محلمان برگزار می شود، شرکت می کنم. چند باری هم مداحی کرده ام.

● اوقات فراغت تابستان را چگونه گذراندی؟

برای کسب تجربه و درآمد به کار بئایی مشغول هستم و هر روز صبح با استاد بئایی که از آشنایانمان است، سر کار می روم. بعد از تعطیلات تابستان هم به مدرسه می روم.

● بزرگ ترین آرزویی که داری چیست؟

یکی از آرزوهایم رفتن به کربلاست. محرم امسال نذر کردم که پانزده روز محرم را در خدمت عزاداران باشم تا حاجتم را بگیرم. گذرنامه هم گرفتم، اما پولم کم بود و نتوانستم به کربلا بروم.

● دوست داری در آینده چه شغلی داشته باشی؟

می خواهم معلم تربیت بدنی بشوم. برای آمادگی جسمانی بیشتر، از چند ماه قبل در باشگاه ورزشته و شوئیت نام کردم. البته به مداحی هم خیلی علاقه دارم. در کنار تربیت بدنی، مداحی را هم دنبال می کنم.

امید محله

و نفر اول شده ام. چهار ساله بودم که در مسابقات مؤذنی شهرداری شرکت کردم؛ هر چند مقامی نیاوردم، عنوان کوچک ترین مؤذن آن مسابقه را به دست آوردم.

● بهترین هدیه مؤذنی را از چه کسی گرفتی؟

مادرم همیشه در این مسیر، مشوقم بوده است و بهترین هدیه را از او دریافت کرده ام که یک کتاب مذهبی بود.

● خاطره ای از مؤذنی داری؟

یک بار همراه بچه های گروه مؤذنی به حرم



حسین برادران فرا یک اتفاق ساده باعث شد که او در چهار سالگی برای اولین بار، مؤذنی مسجد محلمان را انجام دهد و در اولین مسابقه مؤذنی که چند ماه بعد، شهرداری در پارک «بهار»، خواجهری برگزار کرد، عنوان کوچک ترین مؤذن مسابقه را کسب کند. مهدی میرجانی، نوجوان سیزده ساله ساکن محله قدس، مداحی را نیز به خوبی آموخته است و آرزویش، رفتن به زیارت امام حسین^(ع) در کربلاست.

● چطور شد که مؤذن نشدی؟

از سه سالگی همراه مادرم به مسجد محلمان می رفتم. یکی از نمازگزاران که از اقوامان بود، در مسجد به بچه ها مؤذنی یاد می داد. من هم با این گروه همراه شدم.

● اولین باری که در مسجد اذان گفتی یادت هست؟

یک شب، مؤذن مسجد که یکی از بچه های گروه بود، نیامد و به درخواست نمازگزاران، من اذان گفتم. بعد از آن نیز این ماجرا تکرار شد و تا به امروز ادامه دارد.

● تاکنون در مسابقه ای هم شرکت کرده ای؟

چند بار در مسابقات اذان مدرسه شرکت کرده ام

زرکش، مشهدقلی، نوده، حجت، نوید، فدک، کوی امیرالمؤمنین^(ع)، هدایت، ابتکارگران، قدس، ابوطالب، هنرور، سمرقند، آیت...، عبادی، شهیدفرامرز عباسی، بهاران، خین عرب، اسماعیل آباد، کارخانه‌قند، عبدالمطلب، شفا، شهیدمطهری، عامل، حسین‌یاشی، کاشانی

محلات منطقه‌ها

۱ احمدآباد، راهنمایی، فلسطین، سجاد، آبکوه، ارشاد، صاحب‌الزمان^(ع)، سعدآباد، شهیدکلاهدوز، گوهرشاد، کوی دکتر

تبدیل زمین خاکی اطراف مجتمع صادقیه به فضای سبز در گرو تصمیم ساکنان است

برداشتن حصار مجتمع، بله یا نه؟

۲

شهر خبر



حسین بنایی منش شهردار منطقه ۲ و معاونان نشان، میهمان مجتمع صادقیه در مسجد امام صادق^(ع) شدند تا در جلسه‌ای با اعضای هیئت امنای مجتمع، هیئت امنای مسجد و ساکنان، پای صحبت‌های آنان بنشینند و نویدآغاز این پروژه را بدهند. در این میان اما نکته مهمی مطرح شد. برای احداث فضای سبز عمومی، لازم بود توری حصار بین مجتمع و محله برداشته شود. این پیشنهاد مسیر پروژه را بایک مانع جدی روبه‌رو کرد؛ نگرانی برخی از ساکنان درباره عمومی شدن فضای مشاعات و مشکلات احتمالی بعدی مانند حضور افراد معتاد یا کارتن خواب. این نگرانی باعث شد در این جلسه، توافق نهایی حاصل نشود. به گفته طهوریان عسکری، کلید نهایی شدن این آرزوی سبز، ابتدا در دست خود ساکنان است؛ آن‌ها باید به یک توافق داخلی برسند و سپس نتیجه را به شهرداری منطقه اعلام کنند.

صفائی ساکنان مجتمع صادقیه در محله هدایت، سال‌هاست با چشم‌انداز ناخوشایند یک زمین خاکی رها شده و بی‌تکلیف روبه‌رو هستند؛ زمینی که هم جوار باکال است و به جای آنکه به مکانی برای تفریح و بازی کودکان تبدیل شود، به منبعی برای دغدغه و نگرانی ساکنان بدل شده است.

آن‌ها بارها درخواست خود را برای تبدیل این زمین خاکی به فضای سبز یا زمین بازی، با شهرداری در میان گذاشته‌اند. یازدهم مرداد سال جاری، پیرو گزارش شهرآرامحله درباره این مشکل، پرهام تقویان، رئیس ناحیه یک شهرداری منطقه ۲، بر آماده‌بودن طرح احداث فضای سبز تأکید کرد. اما مشکل اصلی را تخصیص نیافتن بودجه برای اجرای این طرح عنوان کرد.

● فضای سبز برای عموم مردم

پیگیری‌های مستمر ساکنان هفته گذشته نتیجه داد و مجید طهوریان عسکری، عضو شورای اسلامی شهر، به همراه تیمی متشکل از علیرضا کفاش، معاون فضای سبز سازمان پارک‌ها،

تجربه متفاوت بچه‌های کانون پرورش فکری منطقه ما در بوستان قائم^(ع)

۱ گلی که من کاشتم

صفائی اکودکان کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان شماره ۴ دوست داشتند در طراحی و فضاسازی پارک محل زندگی‌شان مشارکت داشته باشند. بنابراین مدیریت شهری منطقه یک، هفته گذشته، فرصتی برایشان فراهم کرد تا بتوانند این حس خوب را تجربه کنند. کودکان علاوه بر کاشت گل در بوستان قائم^(ع) در محله کوی دکتر، دیوارهای پارک را با داستان کوچک خود رنگ کردند. در کنار این فعالیت‌ها، برنامه‌های آموزشی با موضوع محافظت از فضای سبز در مواقع خطر از سوی کارشناس آموزش و پرورش برای آن‌ها برگزار شد.



○ آید اغفاری هم مثل دیگر بچه‌ها مشغول کاشت گل است. او تجربه این کار را دارد. آیدامی گوید: وقتی بچه‌ها خودشان گل بکارند، موقع بازی، حواسشان را جمع می‌کنند و به گیاهان آسیب نمی‌رسانند.



○ آیه رزمی بادقت گل‌ها را برمی‌دارد و در گودال‌هایی که حفر کرده‌اند، می‌کارد. او می‌گوید: تا به حال گلی نکاشته‌ام. امروز این حس خوب را تجربه کردم و برایم خیلی جالب بود.

○ الهه آدمی، مربی سازمان آتش‌نشانی که نکات ایمنی را به بچه‌ها آموزش می‌دهد، توضیح می‌دهد: باید از هر ثانیه برای آموزش به بچه‌ها استفاده کنیم. وقتی بچه‌ها ببینند فردی در زمینه‌ای خطا می‌کند، حتماً به او تذکر می‌دهند، درست مانند آموزش بستن کمربند ایمنی که این نکته را خوب یاد گرفته‌اند.